

بررسی تجارب زیسته کنار آمدن با بلوغ جنسی و روابط با دوستان در نوجوانان دختر بی سرپرست و بد سرپرست

حانیه شریعتمداری¹ ، سید محسن اصغری نکاح² ، زهرا حسین زاده ملکی

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه حکمت رضوی، مشهد، ایران-

shariatmadarih3@mums.ac.ir

(این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی نویسنده اول می باشد)

۲- نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

Asghari-n@um.ac.ir

بررسی تجارب زیسته بلوغ جنسی در نوجوانان دختر بی سرپرست و بد سرپرست

تجارب نوجوانان دختر بی سرپرست و بدسرپرست منبع مناسبی برای برنامه ریزی های تربیتی، فرهنگی و روان شناختی برای این قشر آسیب پذیر از جامعه است. هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب زیسته نوجوانان بی-سرپرست و بدسرپرست در کنار آمدن با بلوغ جنسی و روابط با دوستان بود. روش پژوهش پدیدار شناسی توصیفی بود. روش نمونه گیری به صورت هدفمند و حجم نمونه ۱۲ نفر بود. ابزار پژوهش شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل کلایزی استفاده شد. نتایج تحلیل مصاحبه برای برای کنار آمدن با بلوغ جنسی شامل ۳ درون مایه اصلی (راهبردهای مثبت روان شناختی، سازگاری دینی، راهبردهای منفی روان شناختی) و ۷ درون مایه فرعی بود. نتایج تحلیل مصاحبه برای روابط شامل ۴ درون مایه اصلی (تجربه نیاز به دلبستگی و پیوند جویی، معیار داشتن در گزینش دوست، موانع رابطه، تجربه تمایلات و آسیب های رابطه با جنس مخالف) و ۱۰ درون مایه فرعی بود. نتایج بدست آمده نشان می دهد که در موارد کنار آمدن با بلوغ جنسی و روابط با دوستان در این دوره، نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست با آسیب ها و کاستی هایی روبرو هستند که نیازمند ارائه خدمات تربیتی، فرهنگی و روان شناختی است که برخی از آنها در پیشنهادات ارائه شده است.

کلمات کلیدی: دختران نوجوان، بی سرپرست و بد سرپرست، بلوغ، تجارب زیسته

۱. مقدمه:

بی سرپرستی و بد سرپرستی کودکان و نوجوانان، چالش های تربیتی، اجتماعی و روان شناختی متعددی را به همراه دارد که با چرخه ای از آسیب های اجتماعی، خانوادگی و روان شناختی در هم تنیده است، و در این میان دختران نوجوان که به مثابه همسران و مادران آینده محسوب می شوند، در شرایط بی سرپرستی و بدسرپرستی در معرض مخاطرات

روان شناختی مضاعفی قرار می گیرند که مطالعه و کاوش آنها می تواند برای متولیان و برنامه ریزان و کنشگران تربیتی، روان شناختی و اجتماعی سودمند و الهام بخش باشد و در این میان آگاهی از تجارب دوره بلوغ و دوستی های شکل گرفته در شرایط نوجوانی فرصتی است که نیازمند کاوش های علمی و تخصصی ویژه است.

نوجوانی بعد از کودکی آسیب پذیرترین مرحله در چرخه زندگی^۲ انسان است که با تسریع رشد و تغییرات بلوغ^۳ مشخص می شود (کماری شیورن سدیکی^۴، ۲۰۱۸). نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست در آگاهی از خود و جهان و رشد هویت جنسی با مشکلاتی رو به رو هستند چرا که رشد هویت جنسی توسط روابط خانوادگی تعیین میشود و تعارضات درون خانواده و دگرگونی نظام رفتار جنسیتی در این فرایند نقش منفی ایفا میکند. (بابنوا، تاتارینوا، ررکی، بالابینا، زیگالوا، کوربانوا، چرخوفسکایا، ۲۰۲۰۵)

قاعدگی یک تغییر کلیدی بلوغ دختران است که با تغییرات روانی اجتماعی متفاوت خوشایند و ناخوشایند که تحت تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است همراه است (رادوش^۶، ۲۰۲۰).

تجربه قاعدگی^۷ یکی از مهم ترین تحولات تربیتی و روان شناختی برای دختران است زیرا برخلاف تجارب رشدی، بلوغ به صورت ناگهانی و غیرمنتظره اتفاق می افتد و غالباً با احساسات ناخوشایند مختلف مثل درد و گرفتگی عضلات همراه است. گفته می شود تجارب اولین قاعدگی تحت تاثیر تجربه و نگرش شخصی، اطلاعات موجود، و عوامل تربیتی و اجتماعی و فرهنگی است (کون، پارک^۸، ۲۰۱۹). دختران نوجوان ممکن است در زمان قاعدگی با احساسات مثبت و منفی مانند شادی، ترس، ناراحتی، هیجان زدگی، برانگیختگی، انزجار، گیج شدن، شرم، خجالت و نگرانی واکنش نشان دهند. متأسفانه وضعیت دختران به دلیل کمبود دانش، اطلاعات، آگاهی، محدودیت ها و افسانه ها بدتر میشود که به طور قابل توجهی با واکنش نامطلوب همراه است (رنجان و راتیشا^۹، ۲۰۲۲). برای بیشتر دختران نوجوان، مادر هم منبع اصلی اطلاعات و هم اولین کسی است که در مورد قاعدگی صحبت میکند که لازم است پاسخ های اطلاعاتی همراه با پاسخ عاطفی باشد تا سطوح بالاتر تجربه خوشایند در دوران قاعدگی همراه شود (رادوش، ۲۰۲۰). از طرفی با توجه به نقش خانواده در همراهی دختران در برهه های بلوغ، محرومیت از خانواده یا سرپرست، تجربه بلوغ را برای نوجوانان با دشواری ها و پیچیدگی های ویژه ای همراه می سازد.

در برخی تعاریف رایج کودک (یا نوجوان) بی سرپرست^{۱۰} به فرد زیر ۱۸ سالی اطلاق می شود که یکی یا هر دو والدین زیست شناختی یا سرپرست خود را از دست داده باشد. مرگ یکی از آنها در طول دوران کودکی تأثیر عمیقی بر سلامت روانی - اجتماعی فرد دارد؛ و او را در فضایی قرار می دهد که یا دچار تجربه طولانی سوگ و کناره گیری می شود و یا سازگاری پیدا می کند. (فالدزه، نگونیا، گابایتیری^{۱۱}، ۲۰۱۸)

تعداد کودکان بی سرپرست و جدا شده از خانواده^{۱۲} (OSC) به سرعت در کشورهای کم درآمد و متوسط افزایش می یابد. طبق آمار یونیسف (۲۰۱۷) حدود ۱۴۰۰۰۰۰۰۰ کودک یک یا هر دو والد خود را از دست داده اند و بیشتر از میلیون ها نفر

^۱ adolescent

^۲ life span

^۳ puberty

^۴ Kumari, Sheoran & Siddiqui

^۵ Bubnova, Tatarinova, Rerke, Balabina, Zhigalova, Kurbanov & Cherekhovskaya

^۶ Radoš

^۷ menarche

^۸ Kwon & Park

^۹ Ranjan & Rathisha.

^{۱۰} Orphan

^{۱۱} Phaladze, Ngwenya & Gabaitiri

^{۱۲} orphaned and separated children

برای همیشه از والدین جدا شده‌اند و نیازمند سازمان‌های حمایتی برای زندگی کردن هستند. (هاین^۱، ۲۰۱۹) کودکان بی سرپرست در معرض عوامل آسیب‌زای زیادی از جمله مرگ والدین، جدایی از خواهر و برادرها، سوء استفاده، از دست دادن حمایت اجتماعی و بی‌ثباتی در شرایط زندگی هستند. آن‌ها همچنین وقایع آسیب‌زاییکه فراتر از مرگ پدر و مادر است از جمله خشونت و سوء استفاده خانوادگی را تجربه می‌کنند؛ و در مقایسه با افراد عادی ممکن است با قرار گرفتن در معرض آسیب، تأثیر روانشناختی منفی بیشتری را بپذیرند. (دورسی، لوسید، مورای، بلتن، ایتمبا، مانونگی، وتن^۲، ۲۰۱۵).

در دین مبین اسلام به تکریم ایتم و نیازمندان سفارش ویژه‌ای شده است، به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره فجر به جنبه‌های عاطفی و معنوی برخورد با یتیمان این‌گونه اشاره می‌نماید: «كَلَّا بَلْ لَأُكْرِمُنَّكَ لِأَنَّكَ يَتِيمٌ» (چنان نیست، که شما می‌پندارید، شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید)، و از حیث تربیتی و فرهنگی تکریم ایتم و بخصوص دختران نوجوان، نیازمند اطلاعات مناسب با ادارکات و تجارب آنهاست و هر گونه آرایه خدمتی به عنوان یتیم نوازی نیازمند پشتوانه‌ای نظری و پژوهشی است (شریفی نویسی، م. امیرمظاهری، ا.م.، حضرتی صومعه، ز ۱۴۰۰).

لذا باتوجه به خلا پژوهشی پیرامون تجارب زیسته بلوغ جنسی نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست در داخل و خارج از کشور، بررسی تجارب زیسته این گروه آسیب‌پذیر از جمعیت دختران نوجوان در کنار آمدن با بلوغ جنسی و روابط با دوستان می‌تواند گامی موثر در جهت شناسایی عمیق‌تر نیازها، کمبودها، و چالش‌های بنیادی‌تر برای مراقبین آنها، برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر و مداخلات موثرتر در جهت ارتقای سطح سلامت روانی و جسمی آن‌ها باشد.

۲. متن کامل مقاله

مقدمه

بی‌سرپرستی و بدسرپرستی کودکان و نوجوانان، چالش‌های تربیتی، اجتماعی و روان‌شناختی متعددی را به همراه دارد که با چرخه‌ای از آسیب‌های اجتماعی، خانوادگی و روان‌شناختی در هم تنیده است، و در این میان دختران نوجوان که به مثابه همسران و مادران آینده محسوب می‌شوند، در شرایط بی‌سرپرستی و بدسرپرستی در معرض مخاطرات روان‌شناختی مضاعفی قرار می‌گیرند که مطالعه و کاوش آنها می‌تواند برای متولیان و برنامه‌ریزان و کنشگران تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی سودمند و الهام‌بخش باشد و در این میان آگاهی از تجارب دوره بلوغ و دوستی‌های شکل‌گرفته در شرایط نوجوانی فرصتی است که نیازمند کاوش‌های علمی و تخصصی ویژه است.

نوجوانی آبعد از کودکی آسیب‌پذیرترین مرحله در چرخه زندگی^۴ انسان است که با تسریع رشد و تغییرات بلوغ^۵ مشخص می‌شود (کماری شیورن سدیکی^۶، ۲۰۱۸). نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در آگاهی از خود و جهان و رشد هویت جنسی با مشکلاتی رو به رو هستند چرا که رشد هویت جنسی توسط روابط خانوادگی تعیین می‌شود و تعارضات درون

^۱ Huynh

^۲ Dorsey, Lucid, Murray, Bolton, Itemba, Manongi & Whetten

^۳ adolescent

^۴ life span

^۵ puberty

^۶ Kumari, Sheoran & Siddiqui

خانواده و دگرگونی نظام رفتار جنسیتی در این فرایند نقش منفی ایفا میکند. (بابنوا، تاتارینوا، ررکی، بالابینا، زیگالوا، کوربانوا، چرخوسفسکایا، ۲۰۲۰^۱)

قاعدگی یک تغییر کلیدی بلوغ دختران است که با تغییرات روانی اجتماعی متفاوت خوشایند و ناخوشایند که تحت تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است همراه است (رادوش، ۲۰۲۰^۲).

تجربه قاعدگی^۳ یکی از مهم ترین تحولات تربیتی و روان شناختی برای دختران است زیرا برخلاف تجارب رشدی، بلوغ به صورت ناگهانی و غیرمنتظره اتفاق می افتد و غالباً با احساسات ناخوشایند مختلف مثل درد و گرفتگی عضلات همراه است. گفته می شود تجارب اولین قاعدگی تحت تاثیر تجربه و نگرش شخصی، اطلاعات موجود، و عوامل تربیتی و اجتماعی و فرهنگی است (کون، پارک^۴، ۲۰۱۹). دختران نوجوان ممکن است در زمان قاعدگی با احساسات مثبت و منفی مانند شادی، ترس، ناراحتی، هیجان زدگی، برانگیختگی، انزجار، گیج شدن، شرم، خجالت و نگرانی واکنش نشان دهند. متأسفانه وضعیت دختران به دلیل کمبود دانش، اطلاعات، آگاهی، محدودیت ها و افسانه ها بدتر میشود که به طور قابل توجهی با واکنش نامطلوب همراه است (رنجان و راتیشا^۵، ۲۰۲۲). برای بیشتر دختران نوجوان، مادر هم منبع اصلی اطلاعات و هم اولین کسی است که در مورد قاعدگی صحبت میکند که لازم است پاسخ های اطلاعاتی همراه با پاسخ عاطفی باشد تا سطوح بالاتر تجربه خوشایند در دوران قاعدگی همراه شود (رادوش، ۲۰۲۰^۶). از طرفی با توجه به نقش خانواده در همراهی دختران در برهه های بلوغ، محرومیت از خانواده یا سرپرست، تجربه بلوغ را برای نوجوانان با دشواری ها و پیچیدگی های ویژه ای همراه می سازد.

در برخی تعاریف رایج کودک (یا نوجوان) بی سرپرست^۶ به فرد زیر ۱۸ سالی اطلاق می شود که یکی یا هر دو والدین زیست شناختی یا سرپرست خود را از دست داده باشد. مرگ یکی از آن ها در طول دوران کودکی تأثیر عمیقی بر سلامت روانی - اجتماعی فرد دارد؛ و او را در فضایی قرار می دهد که یا دچار تجربه طولانی سوگ و کناره گیری می شود و یا سازگاری پیدا می کند. (فالده، نگونیا، گابایتیری^۷، ۲۰۱۸)

تعداد کودکان بی سرپرست و جدا شده از خانواده^۸ (OSC) به سرعت در کشورهای کم درآمد و متوسط افزایش می یابد. طبق آمار یونیسف (۲۰۱۷) حدود ۱۴۰۰۰۰۰۰۰ کودک یک یا هر دو والد خود را از دست داده اند و بیشتر از میلیون ها نفر برای همیشه از والدین جدا شده اند و نیازمند سازمان های حمایتی برای زندگی کردن هستند. (هاین^۹، ۲۰۱۹) کودکان بی سرپرست در معرض عوامل آسیب زای زیادی از جمله مرگ والدین، جدایی از خواهر و برادرها، سوء استفاده، از دست دادن حمایت اجتماعی و بی ثباتی در شرایط زندگی هستند. آن ها همچنین وقایع آسیب زا بیکه فراتر از مرگ پدر و مادر است از جمله خشونت و سوء استفاده خانوادگی را تجربه می کنند؛ و در مقایسه با افراد عادی ممکن است با قرار گرفتن در معرض آسیب، تأثیر روانشناختی منفی بیشتری را بپذیرند. (دورسی، لوسید، مورای، بلتن، ایتمبا، مانونگی، وتن^{۱۰}، ۲۰۱۵).

^۱ Bubnova, Tatarinova, Rerke, Balabina, Zhigalova, Kurbanov & Cherekhovskaya

^۲ Radoš

^۳ menarche

^۴ Kwon & Park

^۵ Ranjan & Rathisha.

^۶ Orphan

^۷ Phaladze, Ngwenya & Gabaitiri

^۸ orphaned and separated children

^۹ Huynh

^{۱۰} Dorsey, Lucid, Murray, Bolton, Itemba, Manongi & Whetten

در دین مبین اسلام به تکریم ایتم و نیازمندان سفارش ویژه ای شده است، به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره فجر به جنبه های عاطفی و معنوی برخورد با یتیمان این گونه اشاره می نماید: «كَلَّا بَلْ لَأُكْرِمُنَّكَ لِأَيَّتِيْمًا» (چنان نیست، که شما می پندارید، شما یتیمان را گرامی نمی دارید)، و از حیث تربیتی و فرهنگی تکریم ایتم و بخصوص دختران نوجوان، نیازمند اطلاعات مناسب با ادارکات و تجارب آنهاست و هر گونه ارایه خدمتی به عنوان یتیم نوازی نیازمند پشتوانه ای نظری و پژوهشی است (شریفی نویسی، م. امیرمظاهری، ا.م.، حضرتی صومعه، ز ۱۴۰۰).

لذا باتوجه به خلا پژوهشی پیرامون تجارب زیسته بلوغ جنسی نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست در داخل و خارج از کشور، بررسی تجارب زیسته این گروه آسیب پذیر از جمعیت دختران نوجوان در کنار آمدن با بلوغ جنسی و روابط با دوستان میتواند گامی موثر در جهت شناسایی عمیق تر نیازها، کمبودها، و چالش های بنیادی تر برای مراقبین آنها، برنامه ریزی های دقیق تر و مداخلات موثرتر در جهت ارتقای سطح سلامت روانی و جسمی آنها باشد.

روش پژوهش:

روش پژوهش حاضر به صورت کیفی از نوع پدیدار شناسی بود. پدیدارشناسی مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است. روش پدیدارشناسی در رویکرد کیفی با توجه به نگاه به مورد بررسی، به دو روش عمده توصیفی و تفسیری تقسیم می شود (هومن، ۱۳۹۱). این پژوهش از آن جهت که به دنبال دستیابی به ذات مشترک تجربه بلوغ جنسی در نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست است با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد و در تجزیه و تحلیل داده ها از روش کلایزی بهره گرفته شد.

در پژوهش حاضر برای جمع آوری داده ها و آگاهی از ابعاد تجربه زیسته هیجانی نوجوانان دختر بی سرپرست و بدسرپرست، از مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ استفاده شد. مصاحبه نیمه ساختار یافته نسبت به مصاحبه استاندارد نشده دارای ساختار بیشتر است و موضوع محدودتری را شامل می شود و در آن سوالات خاصی از تمام پاسخگویان پرسیده می شود. با این وجود به دلیل محاوره ای بودن مصاحبه، مصاحبه گر آزاد است که سوالات را تغییر دهد و یا ترتیب آنها را به شکلی مناسب تر جابجا کند (هومن، ۱۳۹۱). با در نظر گرفتن هدف کلی پژوهش، سوالات مصاحبه طراحی شدند. در مجموع با جمع بندی نظرات کارشناس آگاه به موضوع برای اطمینان از روایی محتوایی^۲، ۱۰ سؤال برای انجام مصاحبه انتخاب شد. به دلیل اینکه مصاحبه حاضر از نوع مصاحبه های نیمه ساختاریافته بود، مصاحبه گر بعد از هر سؤال با توجه به بافت موضوعات مطرح شده، سوالات پیگیری^۳ را برای بررسی عمیق تر مطرح می کرد. برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی ها، از کدهای مستعار برای شرکت کنندگان استفاده شد. برای روایی مصاحبه از روش بازخورد اعضا^۴ استفاده می شود. به این صورت که نتایج به دست آمده بعد از تحلیل مصاحبه ها، برای تأیید صحت و نزدیک بودن آنها به منظور اصلی مصاحبه شوند، به سمع و نظر وی رسید. پایایی مصاحبه ها نیز با روش توافق کدگذاران^۵ بررسی شد به این صورت که کدگذاری مصاحبه ها توسط دانشجو با کدگذاری اساتید راهنما و مشاور ارزیابی شد. (یادآوری این نکته نیز مهم است که در ارزیابی پژوهش های کیفی از معیارهای مقبولیت^۶ و تعیین بجای روایی و پایایی استفاده می شود (صدوقی، ۱۳۸۷). همچنین قابلیت اطمینان نیز از طریق ضبط مصاحبه ها، نسخه برداری دقیق از مصاحبه کنترل شد.

^۱ semi structure

^۲ content validity

^۳ follow-up

^۴ Member checking

^۵ Inter-coder agreement

^۶ credibility

^۷ conformability

از بین نوجوانان دختر دو مرکز خانه فرزندان شهر مشهد ۱۲ مصاحبه با نوجوانان دختر بی سرپرست و بدسرپرست صورت گرفت. دامنه سنی نمونه مورد مطالعه ۱۲ تا ۱۵ سال بود که ۴ مورد بی سرپرست و ۸ مورد نیز بد سرپرست بودند. مدت تقریبی هر مصاحبه ۴۵ دقیقه بوده و با کسب اجازه از مراجعین و با استفاده از ضبط صدا، انجام پذیرفت.

یافته‌های پژوهش:

نتایج بدست آمده از جدول زیر نشان می‌دهد که تجارب زیسته نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست کنار آمدن با بلوغ جنسی شامل ۳ درون مایه اصلی و ۷ درون مایه فرعی می‌باشد. درون مایه های اصلی و فرعی بدست آمده عبارتند از:

جدول ۱- نتایج بررسی تجارب زیسته نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست در کنار آمدن با بلوغ

| واحد‌های معنایی | درون‌مایه‌های فرعی | درون‌مایه‌های اصلی |
|---|------------------------|----------------------------|
| برای سلامتی خوبه حامله شدن بزرگتر شدم عاقلمتر شدم تجربه ات بیشتر میشه | باورهای مثبت | راهبردهای مثبت روان-شناختی |
| عادیه طبیعیه دختر همسن همچین شرایطی دارند بلوغ جسمی داریم روحی و فکری | پذیرش | |
| کتاب خوندن دوست دارم یک برگه ای میگیرم جلوم حرصمو روی برگه خالی میکنم حرصمو روی بالشتم خالی میکنم مشت میزنم روی تختم، | والایش | |
| حجاب نماز غسل کنیم | کمک‌گیری از آیین مذهبی | سازگاری دینی |
| نماز نمیخونیم روزه نمیگیریم زمانهای خاص نماز نداری مسجد که میری باید قسمت حسینه بری. تو حرم جای پنجره فولاد و ضریح نباید بری. | رعایت حدود شرعی | |
| نمیدونم هیچ حسی با هیچ کی صحبت نمیکنم با هیچکی نمیگم | منزوی شدن | راهبردهای منفی روان-شناختی |

| | | |
|--|---------------|---|
| | | از اتاقم بیرون نمیام عصبانی می شم |
| | پرخاشگری کردن | پرخاش میکنم، شروع میکنم به فحش دادن دعوا کردن پرخاشگر میشم |

۱- **راهبردهای مثبت روان‌شناختی:** این درون مایه اصلی بیانگر نگرش‌ها، احساس‌ها و عقایدی پیرامون بلوغ جنسی می‌باشد که با توجه به بار مثبتی که دارند به کنار آمدن فرد با این تغییرات کمک می‌کند. همچنین شامل راهبردهای شناختی و عاطفی هستند که طبق اصول روان‌شناختی زبان‌بار نیستند و به فرد در شرایط استرس‌زا و چالش برانگیز کمک می‌کند. درون مایه‌های فرعی آن عبارت بودند از: ۱- باورهای مثبت: این درون مایه فرعی بیانگر عقاید و نگرش‌های مثبتی پیرامون پیامدهای بلوغ مانند توانمندی برای حاملگی و آمادگی برای ازدواج است، که به سازگاری و کنار آمدن با بلوغ جنسی کمک می‌کند. ۲- پذیرش: شامل توانمندی و ظرفیت ذهنی بالای نوجوانان دختر در پذیرش بلوغ به عنوان امری عادی که برای همسن‌های آنها نیز پیش می‌آید. به عبارتی به جای انکار، فاجعه‌انگاری و بزرگنمایی از پذیرش بلوغ جنسی استفاده می‌کنند. ۳- والایش: این مورد نوعی راهبرد روان‌شناختی است که حداقل در کوتاه مدت می‌تواند کمک کننده باشد. بدین صورت که هیجان بالا آمده خشم و پرخاشگری را به شیء جایگزین (مثل بالش و تشک) منتقل می‌دهد. نمونه ای از اظهارات مصاحبه شونده گان عبارت بودند از: مصاحبه شونده با کد ۲ اظهار داشت که "خوبه چون... خوبه چون برای سلامتی و اینکه در آینده حامله بشی". مصاحبه شونده دیگری با کد دیگری ۷ بیان داشت که "زود میرم تو اتاقم یک برگه ای میگیرم جلوم حرصم روی برگه خالی میکنم، یا حرصم روی بالشتم خالی میکنم، یا مشت میزنم روی تختم، که باعث نشه کسی از دستم ناراحت بشه، یا دلخوری چیزی برای کس دیگه ای پیش بیاد". مصاحبه شونده دیگری با کد ۹ بیان داشت که "هیچی بعد از اینکه دیدم مامانم واکنش بدی نشون نداد فهمیدم خوب مشکل خیلی بدی نیست عادیه".

۲- **سازگاری دینی:** درون مایه اصلی سازگاری دینی بیانگر میل به رعایت مراسم و مناسک مذهبی مرتبط با بلوغ جنسی و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت‌های دینی مانند نماز و حجاب برای سازگار شدن با بلوغ جنسی می‌باشد. دو درون مایه اصلی آن عبارت بودند از: ۱- کمک‌گیری از آیین مذهبی: این مورد بیانگر بهره‌گیری از مناسک و آیین‌های مذهبی مانند رعایت حجاب و نماز خواندن برای کنار آمدن با بلوغ و پیامدهای آن مانند تحریک جنسی می‌باشد. ۲- رعایت حدود شرعی: این درون مایه بیانگر ملاحظات و مسائل شرعی مانند عدم خواندن نماز، نرفتن به حرم در وقوع مواردی مانند شروع عادت ماهانه در بلوغ جنسی می‌باشد. نمونه ای از اظهارات مصاحبه شونده‌گان عبارت بودند از: مصاحبه شونده با کد ۱۰ اظهار داشت که "همه چی رو میدونم. مثل مثلاً مسائل دینی واسه غسل کردن، نماز، حجاب همه چی رو...". مصاحبه شونده دیگری با کد ۱۱ اظهار داشت که "مسجد که میری باید قسمت حسینیه بری. تو حرم جای پنجره فولاد و ضریح نباید بری". مصاحبه شونده با کد ۸ بیان داشت که "باید بعد از عادت ماهیانه ات دوباره نمازت رو بخونی، باید غسل کنی، اگه شبی باشه که خواب بد ببینی باز باید یک غسل جدا کنم، جنابت، موقعی که پرودی و میری حرم".

۳- **راهبردهای منفی روان‌شناختی:** درون مایه اصلی راهبردهای منفی روان‌شناختی بیانگر استفاده از روش‌هایی برای مقابله با بلوغ جنسی است که برای فرد و یا دیگران نتیجه‌چندان خوشایندی ندارد و حتی می‌تواند به نوجوان و یا دیگران آسیب برساند. این روشها می‌تواند از انزواطلبی محض تا پرخاشگری و عصبانیت شدن شدید متغیر باشد. دو درون مایه فرعی آن عبارت بودند از: ۱- منزوی شدن: بیانگر میل به تنهایی و دوری‌گزینی بویژه در زمان عادت ماهانه در دختران

نوجوان می‌باشد. ۲- پرخاشگری: نسبت به درون مایه منزوی شدن گسترده‌تری بیشتر دارد و می‌تواند واکنشی منفی به کلیت دوران بلوغ جنسی باشد که می‌تواند منجر به آسیب به خود و یا دیگری گردد. نمونه‌ای از اظهارات مصاحبه‌شونده‌گان عبارت بودند از: مصاحبه‌شونده با کد ۷ اظهار داشت که "هیچ کار خاصی انجام نمی‌دم فقط اعصابم خیلی خورد میشه، دو سه روز نزدیک به عادت ماهیانه ام اعصابم خیلی خورد میشه، یک چیزی که یکی بهم میگه پرخاش میکنم، شروع میکنم به فحش دادن و دعوا کردن و.. اصلا اون موقع از اتاقم بیرون نمیام سعی میکنم تو جمع نباشم روزای نزدیک به پیرویدیم". مصاحبه‌شونده دیگری با کد ۵ بیان داشت که "کارهای روزمره هیچ فرقی نداره با روزهای عادی، بله عصبانی می‌شم احساس می‌کنم".

نتایج بدست آمده از جدول زیر نشان می‌دهد که تجارب زیسته نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در روابط بلوغ جنسی شامل ۴ درون مایه اصلی و ۱۰ درون مایه فرعی می‌باشد. درون مایه‌های اصلی و فرعی بدست آمده عبارتند از:

جدول ۲- نتایج بررسی تجارب زیسته نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در روابط با دوستان

| واحد‌های معنایی | درون‌مایه‌های فرعی | درون‌مایه‌های اصلی |
|--|-----------------------|------------------------------------|
| مهربونه مهربونن صمیمیت صمیمی تر میشه | تجربه نزدیکی و صمیمیت | تجربه نیاز به دلبستگی و پیوند جویی |
| از دوستم راهنمایی میگیرم ازت دفاع میکنه با هم راه میرن حرف میزنن | تجربه حمایت | |
| درکم میکنه راحت بودن درک کردن | تجربه درک و پذیرش | |
| حرفای دلتو بهش بگی درد دلا تو بهش بگی حرفامو گوش میکنه | شنونده بودن | معیار داشتن در گزینش دوست |
| زنگ تفریح اخلاقش خیلی خوبه خوش اخلاق باهاش راحتم اخلاقش خیلی خوبه | مثبت بودن رابطه | |
| شباهت با هم خیلی نظرامون شبیهه چیزایی که دوست دارم اونم دوست داره شبیه من هستن | شباهت | |

| | | |
|---|--|---|
| | | عقایدش اخلاقی به من خیلی نزدیک تره |
| موانع رابطه | ترس از رابطه | مسخره شدن کسی رو دوست ندارم باهام دعوا کنه حرفامو بره بگه |
| | ترجیح تنهایی | همه چیو تو خودم میریزم دوست دارم بروز ندم هیچ دوستی ندارم |
| تجربه تمایلات و آسیب‌های رابطه با جنس مخالف | تمایل به رابطه با جنس مخالف | رابطه عاطفی با جنس مخالف جنس مخالف دوست پسر دوستی دختر و پسری رابطه دختر پسری دوستی مجازی با پسر دوست دارم بدونم رابطه بین دختر و پسر چی میگذره |
| | تجربه آسیب عاطفی از رابطه با جنس مخالف | از یک موضوعی به بعد از پسر خوشم نیومد بعدش گریه کردم بعد از رفتنش گریه کردم خیلی ناراحت شدم اصلا از هیچ پسر خوشم نمیاد |

۱- تجربه نیاز به دل بستگی و پیوند جویی: این درون مایه اصلی بیانگر بروز نیازهای دل بسته مدار در نوجوانان دختر می باشد که غالباً نشانه‌های آن درگیر شدن در روابطی است که همراه با تجربه صمیمیت، نزدیکی، درک و حمایت شدن می باشد. به عبارتی روابط برای آنها بامعنا می باشد که چنین مواردی که نام برده شد با خود به همراه داشته باشد. ۳ درون مایه فرعی آن عبارتند از: ۱- تجربه نزدیکی و صمیمیت: این درون مایه فرعی نشانگر درک تجارب لذتبخش و بامعنا می باشد. مانند صمیمیت، مهربانی و نزدیکی است که نیروی برانگیزنده اصلی برای ورود و تداوم رابطه دوستی ایجاد شده می باشد. ۲- تجربه حمایت: این مورد نیز بیانگر تجربه موارد امیدار کننده‌ای در رابطه دوستی است که تجربه حمایت شدن از طرف شخص دیگری را به همراه دارد و برای نوجوان کمک کننده محسوب می شود و لزوم پایداری رابطه را نشان می دهد. ۳- تجربه درک و پذیرفته شدن: این درون مایه به صورت کلیدی و اختصاصی نشان دهنده تجربه درک و پذیرفته شدن توسط شخص دیگری می باشد. این درک و پذیرفته شدن می تواند در ارتباط با احساسات، گفته‌ها و یا باورها و عقاید باشد. نمونه ای از اظهارات مصاحبه شونده‌گان عبارت بودند از: مصاحبه شونده با کد ۱ اظهار داشت که " دوست صمیمی وقتی کتکت میزنن ازت دفاع میکنه و مهربونه اما بقیه وقتی عصبانی میشن کتکت میزنن و وقتی گریه میکنم میاد پیشم و مهربونی

میکنه...". مصاحبه شونده دیگری با کد ۶ بیان داشت که " چون اخلاقش خیلی خوبه و بعد درکم میکنه یعنی یک کاری میکنه که یادم بره و حواسم پرت بشه از موضوعی که ناراحتم کرده و خوشحالم میکنه ... مثلا میگه منم خودم این مسائلو داشتم و گذشته رفته ولش کن...". همچنین مصاحبه شونده با کد ۱۰ بیان داشت که " مثلا اگه یه اتفاقی برای من بیفته من ناراحت بشم یه سر دو راهی قرار بگیرم از دوستم راهنمایی میگیرم که بیرسم این کارم درسته یا نه که می خوام انجام بدم مثل اینکه من می خوام از اینجا ترخیص شم ولی به خاطر شرایطی که تو خونومه نمیتونم بعد از دوستم بیرسم این کاری که می خوام انجام بدم درسته یا نه".

۲- معیار داشتن در گزینش دوست: این درون مایه اصلی بیانگر داشتن معیارهای مشخص برای انتخاب دوست است. به عبارتی نوجوانان در سن بلوغ تمایل صرف به برقراری رابطه ندارند، بلکه روابط دوستی برقرار می کنند که منطبق بر معیارهای آنها باشد. به عبارتی دوستیها شروع به هدفمند بودن می کنند. دو درون مایه فرعی آن عبارت بودند از: ۱- شنونده بودن: این مورد بیانگر این است که یکی از معیارهای مهم در انتخاب دوستی، شنونده بودن طرف مقابل است. این مورد تا حدودی بیانگر این یوده است که با توجه به اینکه نوجوانان بدسرپرست و بی سرپرست عموما توسط خانوادههای خود شنیده نشده اند به همین دلیل نیاز به دوستانی دارند که آنها را خوب بشنوند. ۲- مثبت بودن رابطه: این مورد نیز با زمینه آسیب پذیر خانوادگی این نوجوانان که عموما مورد بد رفتاری قرار گرفته اند و یا تجربه خوشایندی از رابطه خانوادگی نداشته اند مرتبط است. به عبارتی آنها در گزینش دوست خود دنبال فردی هستند که رفتار و خلق، خوی خوشایندی در مقابل آنها نشان دهد. ۳- شباهت: این مورد بیانگر این است که در دوران نوجوانی، فرد دنبال کسی است که شباهت زیادی به او داشته باشد. این شباهت می تواند مربوط به مواردی مانند سن، اخلاق، رفتار و ... باشد. نمونه ای از اظهارات مصاحبه شونده گان عبارت بودند از: مصاحبه شونده با کد ۷ اظهار داشت که " دوست صمیمی کسیه که میتونی راز تو بهش بگی حرفای دلتو بهش بگی، ولی بقیه دوستا بهشون بگی ممکنه نگه ندارن و به بقیه بگن". همچنین مصاحبه شونده دیگری با کد ۲ بیان داشت که خیلی خوش اخلاق و مهربونه و نمیدونم کلا با اون راحتترم و اونو از همه بیشتر دوست دارم نمیدونم چرا اصلا یک حس خوبی دارم باهاش که با بقیه فرق داره... همه چیزو میگم... همه چیزو حضوری میگم". همچنین مصاحبه شونده با کد ۱۰ بیان داشت که هر چقدر بزرگتر بشی معنی دوستی رو بهتر میفهمی. کوچکتر که باشی معنی دوستی فقط همبازی که باهاش بازی کنی خوشحال بشی بعد دیگه تموم بشه تا مثلا دفعه بعدش که بخوای بازی کنی ولی الان که بزرگتر میشی میبینی دوست فقط برای همبازی نیست دوست واسه درد و دل کردنم هست. برای کمک خواستن هست برای راز دل گفتن هست برای اینکه بهش کمک کنی بهت کمک کنه باهم خوشحال باشین یا تو غمات شریک باشه به دردت میخوره کسی که بهت نزدیکه". همچنین مصاحبه شونده با کد ۶ بیان داشت که " دوست صمیمی باهاش راحتم هر چی میگم و با هم خیلی نظرامون شبیهه من چیزایی که دوست دارم اونم دوست داره... یکی یک سال بزرگ تره یکی دو سال و یکی سه سال".

۳- موانع رابطه: درون مایه اصلی موانع رابطه بیانگر عوامل بازدارنده از برقراری رابطه است. به عبارتی در نوجوانی عواملی که عموما ناشی از تجارب ناخوشایند قبلی و همچنین احتمال درک تجارب ناخوشایند است، منجر به عدم تمایل به برقرار رابطه دوستی در نوجوانان دختر بدسرپرست یا بی سرپرست می شود. این عدم تمایل به صورت ترس از برقراری رابطه به منظور آسیب ندیدن و یا ترجیح دادن تنهایی به جای برقراری رابطه که احتمال آسیب دیدن دارد، خود را نشان می دهد. دو درون مایه فرعی آن عبارتند از: ۱- ترس از رابطه: این مورد بیانگر ترس از برقراری به رابطه است که دلیل آن بیشتر به واکنش های منفی دیگران مانند مسخره شدن، دعوا کردن و لو دادن حرفا و رازها است. به عبارتی پیامدهای ناخوشایند دوستی مانع تمایل به آن می شود. ۲- ترجیح تنهایی: این مورد بیانگر تمایل به عدم برقراری رابطه و ترجیح تنهایی است. به عبارتی فرد احساسها و حرفهایش درون ریزی می کند و تمایلات درونگرایانه بر او غلبه دارد. نمونه ای از اظهارات مصاحبه شونده گان عبارت بودند از: مصاحبه شونده با کد ۵ اظهار داشت که " آره دیگه اتفاق میافته شاید مثلا اون باهام

دعا کنه یا شاید مثلاً اتفاقاتی بیفته من فکر کنم اون دوست خوبی برای من نیست بعد مثلاً ناراحت بشم گریه کنم از این جور حرفا. اینکه اون منو نخواد یا من اونو نخوام فرقی نمیکنه بعد از این خیلی دوستی خاصه به نظر من". مصاحبه شونده با کد ۷ بیان داشت که "من چون دختریم که همه چیو تو خودم میریزم و دوست دارم بروز ندم دوستای کمتری دارم من وقتی نماز میخونم درد و دلانو با خدا می کنم". همچنین مصاحبه شونده با کد ۴ بیان داشت که " ... هیچ ... هیچ دوستی ندارم چون.. چون خوشم نمیاد...".

۴- **تجربه تمایلات و آسیب‌های رابطه با جنس مخالف:** این درون مایه اصلی بیانگر شروع تمایلات به برقراری رابطه عموماً عاطفی با جنس مخالف است که تا حدودی ناشی از نبود منابع عاطفی حمایت کننده کافی است. با این حال این برقراری رابطه با توجه به احتمال قطع شدن آن منجر به بروز آسیب‌های عاطفی در نوجوانان دختر شده است. ۱ درون مایه فرعی آن عبارت بودند از: ۱- تمایل به رابطه با جنس مخالف: این مورد بیانگر شروع تمایلات به جنس مخالف که ریشه‌های آن بیشتر نیازهای عاطفی و تا حدودی نیز تحریک‌ها و کشش به سمت جنس مخالف است که با بروز بلوغ جنسی نمایان تر می‌شود. ۲- تجربه آسیب عاطفی از رابطه با جنس مخالف: این مورد بیانگر پیامدهای ناخوشایند ناشی از برقراری رابطه با جنس مخالف و قطع شدن آن است. این مورد علاوه بر اینکه منجر به بروز عواطف ناخوشایند غمگینی، گریه و ناراحتی است، همچنین شامل شروع تفکرات منفی و بدبینانه به جنس مخالف است که می‌تواند آسیب زنده باشد. نمونه ای از اظهارات مصاحبه شونده‌گان عبارت بودند از: مصاحبه شونده با کد ۱۰ اظهار داشت که "بیشتر به این فکر میکنم که دوست پسر بازی کنم و به فکر اهنگ و فیلم و اینا باشن بیشتر ... نه اینکه فقط خوشیای بچگی رو بچسبن". همچنین مصاحبه شونده با کد ۱۱ بیان داشت که "خوب معمولاً همه دوست پسر که دارند تعیین سن واقعاً همه دارن چون این سن یک سنی که همه شوخی هاشونو اینا با این جور چیزا راه می برند انگار". همچنین مصاحبه شونده با کد ۷ بیان داشت که "مثلاً از یک موضوعی به بعد از پسر خوشم نیومد، دور هرچی پسره خط کشیدم، برای همین هروقت صحبت پسر میشه چندشم میشه، اعصابم خورد میشه، دوست دارم همونجا پاشم یا خودمو بزنم یا یکبو بزنم ... من یک کسیو دوست داشتم، دقیقاً روز تولد من ... همون روز روز عروسیه اون کسی که دوستش داشتم بود". همچنین مصاحبه شونده با کد ۹ بیان داشت که "من اصلاً همچین دوستی هایی رو دوست ندارم ... من اصلاً از هیچ پسر خوشم نمیاد و دوست ندارم با هیچ کدومشون رابطه دوستی داشته باشم ... من از بچگی با پسر عمو هام نمیساختم اصلاً برای من مهم نیستن و اینکه فقط من مهمم نه اونا".

بحث و نتیجه گیری:

این مساله که دختران نوجوان بی سرپرست و بدسرپرست محروم از فضای خانواده دوره بلوغ را چگونه تجربه می کنند و در کنار آمدن با بلوغ جنسی و روابط دوستی چه تجربی دارند، هدف پژوهش حاضر بود، و با مصاحبه های نیمه ساختارمند مورد بررسی قرار گرفت و نتایج بدست آمده نشان داد که تجارب زیسته نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست در کنار آمدن با بلوغ جنسی شامل ۳ درون مایه اصلی و ۷ درون مایه فرعی می‌باشد.

در این راستا نتایج پژوهش‌های محمد عبدالعلیم، احمد حسن عمران و سلیمان عبد العلیم^۱ (۲۰۲۳) نیسی، اشرفی، حسینی‌راد، مقدم و پرنجف^۲ (۲۰۱۳)، بالسوم، گردون^۳ (۲۰۲۱) و یلماز، بوهارا و تاپا^۴ (۲۰۲۱) بیانگر اهمیت و روش‌های متفاوت مقابله و سازگاری با بلوغ جنسی در نوجوانان می‌باشد. در این دوره رشد و تغییرات همراه با بلوغ جنسی که تغییرات روانی مانند تغییر در تمایلات، رغبت‌ها و گرایش‌ها را به همراه دارد نیازمند روش و راهبردهایی برای مقابله

^۱ Mohammed Abd El Aliem, Ahmed Hassan Omran, & Soliman Abd El Aliem

^۲ Nissi, Ashrafiyoozi, Hoseyniraad, Dircondmoghaddam, & Pournajaf.

^۳ Balsom & Gordon

^۴ Yilmaz, Bohara., & Thapa

است (باتو، لی، سانگ، و جیانگ^۱، ۲۰۲۰؛ و همکاران، ۲۰۲۰). دو درون مایه اصلی راهبردهای مثبت روان‌شناختی و راهبردهای منفی روان‌شناختی را می‌توان به صورت طیفی از راهبردها و راهکارهای مقابله و کنار آمدن با بلوغ جنسی در نظر گرفت که از مثبت و سازگارانه تا منفی و ناسازگارانه گسترش دارد. تا حدودی تفاوت نوجوانان در دسترسی به منابع حمایت‌کننده، اطلاعات معتبر و دغدغه‌های پیرامون این موارد باعث شده که روش و راهبردهای مقابله با آن نیز تفاوت داشته باشد (طهرانی‌مقدم و پورعباسی^۲، ۱۳۹۷). بر همین اساس طبقه‌بندی‌های صورت گرفته (برای مثال کدهای ۷، ۹ و ۵) روش متفاوتی از کنارآمدن را نشان داده‌اند؛ در برخی موارد از لحاظ هیجانی تحریک شده و پاسخی مانند خشم و عصبانیت و یا در مقابل انزوا و گریز از جمع را در پاسخ به تحولات بلوغ نشان داده‌اند و برخی دیگر تمایل به طبیعی جلوه دادن این تغییرات و پذیرش آن و یا راه‌های مانند تخلیه هیجانی خود با مشت زدن به یک شی مانند بالشت و تشک در جهت کنارآمدن با آن نشان داده‌اند.

سازگاری دینی درون مایه اصلی دیگری بود که جزء روش‌های کنارآمدن با بلوغ جنسی در نظر گرفته شد. با ظهور بلوغ جنسی، حد و مرزهای جدید شرعی دین اسلام نیز برای نوجوان ظهور می‌کند و سازگاری دینی بیانگر میل به رعایت مناسک مذهبی مرتبط با بلوغ جنسی و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت‌های دینی مانند نماز و حجاب برای سازگار شدن با بلوغ جنسی می‌باشد. معنویت و توجه به آن خاص فرهنگ ایران نبوده و کم و بیش در تمامی فرهنگها بویژه در مسائل جنسی اهمیت دارد (چمراتریشرونک^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). در همین رابطه در یک تحقیق کیفی نشان داده شده است که یکی مضامین اصلی در بحث نیازها و مسائل جنسی در نوجوانان نقش اسلام و آموزه‌های آن می‌باشد (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۵). در همین راستا مصاحبه‌شونده با کد ۱۰ اظهار داشت که " همه چی رو میدونم. مثل مثلا مسائل دینی واسه غسل کردن، نماز، حجاب همه چی رو". همچنین مصاحبه‌شونده با کد ۸ بیان داشت که " باید بعد از عادت ماهیانه ات دوباره نمازت رو بخونی، باید غسل کنی ...". بنابراین این گفته‌ها بیانگر این است که یک بخش کنار آمدن با بلوغ جنسی مربوط به ملاحظات شرعی می‌باشد، که رعایت آنها یک آرامش و اطمینان خاطر مبنی بر رعایت حد و مرز شرعی را در نوجوان ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه نوجوانان مورد مطالعه در پژوهش حاضر این نوع آموزش‌ها و مسائل شرعی را در محیط مدرسه و یا از طریق دوستان یاد گرفته بودند، بنابراین توانایی کنار آمدن با آن را داشته و از آن برداشت مثبتی برای کنار آمدن با بلوغ جنسی داشته‌اند، چرا که آن را امری معنوی و همراه با پاداش ماور الطبیعه تلقی می‌کنند.

نتایج بدست آمده هم چنین نشان داد که تجارب زیسته نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در روابط شامل ۴ درون مایه اصلی و ۱۰ درون مایه فرعی می‌باشد. این یافته پژوهش حاضر با یافته پژوهش‌های خرمایی و زارعی منوجان^۴ (۲۰۱۶)، پرویزی، احمدی و پورحسینی^۵ (۱۳۹۰) و آتش نفس و همکاران (۱۳۹۳) هم راستا می‌باشد.

تجربه نیاز به دلبستگی و پیوند جویی یکی از چهار درون مایه اصلی شناسایی شده برای تجربه روابط در دوران بلوغ جنسی نوجوانان دختر بی‌سرپرست و بدسرپرست بود. این درون مایه اصلی بیانگر بروز نیازهای دلبسته‌مدار در نوجوانان دختر بود که غالباً نشانه‌های آن درگیر شدن در روابطی است که همراه با تجربه صمیمیت، نزدیکی، درک و حمایت شدن بود. آنچه این درون مایه نشان می‌دهد بیانگر تمایل به برقراری رابطه با میزان بالایی از نزدیکی و صمیمیت است که تجارب لذتبخش حمایت‌شدن و درک شدن را به همراه دارد. منطبق با روانشناسی تحولی، نوجوانان نیازمند برقراری رابطه دوستی و تجربه

^۱ Bao, Li, Song, Jiang

^۲ Tehrani, & Pourabbasi.

^۳ Chamratrithirong

^۴ Khormaei, & Manoujan

^۵ Parvizi, & Ahmadi

حمایت اجتماعی است. رابطه با اعضای خانواده و دوستان از جمله مهمترین منابع حمایت اجتماعی است. در این دوران دوستان نوجوان تأثیرگذارترین افراد هستند. در این دوره نوجوان در پی تجربه روابط جدید و هیجانی است. این روابط موقعیتی است که در آن نوجوانان می‌خواهند عواطف فیزیکی، عشق و مراقبت را تجربه کنند (خرمایی و زارعی منوجان، ۲۰۱۶). به عبارتی نیاز به روابط دلبسته‌مدار یک نیاز انکارناپذیر است که در دوره بلوغ خود را نشان می‌دهد. در همین رابطه مصاحبه شونده با کد ۱ اظهار داشت که " دوست صمیمی وقتی کتکت میزنن ازت دفاع میکنه و مهربونه وقتی گریه میکنم میاد پیشم و مهربونی میکنه...". مصاحبه شونده دیگری با کد ۶ بیان داشت که " چون اخلاقش خیلی خوبه و بعد درکم میکنه یعنی یک کاری میکنه که یادم بره و حواسم پرت بشه از موضوعی که ناراحتم کرده و خوشحالم میکنه ...". این گفته‌ها در مصاحبه‌های صورت گرفته بیانگر تمایل و نیاز دلبستگی است که درک شدن و تجربه حمایت شدن همراه با صمیمیت اجزاء کلیدی آن می‌باشند.

معیار داشتن در گزینش دوست دیگر درون مایه اصلی شناسایی شده بود. این درون مایه اصلی بیانگر داشتن معیارهای مشخص برای انتخاب دوست است. نوجوانان در سن بلوغ تمایل صرف به برقراری رابطه ندارند، بلکه روابط دوستی برقرار می‌کنند که منطبق بر معیارهای آنها باشد. به عبارتی دوستی‌ها شروع به هدفمند بودن می‌کنند. این امر به حدی مهم است که حتی آیات و روایات دین اسلام نیز به آن پرداخته و موضوع گزینش دوست اصلح را مطرح کرده است و در همین رابطه امام علی (ع) فرموده‌اند: «دوست همانند وصله است؛ پس آن را همانند خود برگزین» (جشقانی، ۱۳۹۶). بنابراین می‌توان گفت که داشتن ملاکی مانند شباهت و مثبت بودن رابطه توسط زمینه دینی و فرهنگی جامعه ایران در نوجوانان نیز تقویت شده است. همچنین با توجه به اینکه نوجوانان بدسرپرست و بی سرپرست عموماً توسط خانواده‌های خود شنیده و درک نشده‌اند به همین دلیل نیاز به دوستانی دارند که آنها را خوب بشنوند و رابطه مثبتی را درک کنند. در همین رابطه مصاحبه شونده با کد ۲ بیان داشت که " دوستم خیلی خوش اخلاق و مهربونه و نمیدونم کلا با اون راحتترم و اونو از همه بیشتر دوست دارم ". همچنین مصاحبه شونده با کد ۱۰ بیان داشت که " هر چقدر بزرگتر بشی معنی دوستی رو بهتر میفهمی. کوچکت که باشی معنی دوستی فقط همبازیه ... بزرگتر میشی میبینی دوست فقط برای همبازی نیست، دوست واسه درد و دل کردنم هست. برای کمک خواستن هست برای راز دل گفتن هست ... ". همچنین مصاحبه شونده با کد ۶ بیان داشت که " دوست صمیمی باهاش راحتم هر چی میگم و با هم خیلی نظرامون شبیهه من چیزایی که دوست دارم اونم دوست داره ". این گفته‌ها بیانگر ملاک‌های مانند شبیه بودن، مثبت بودن رابطه و شنونده بودن طرف مقابل برای برقراری یک رابطه دوستانه لذت‌بخش است. با این حال یک درون مایه اصلی دیگر تحت عنوان موانع رابطه در مصاحبه‌های صورت گرفته نمایان شد که بیانگر عوامل بازدارنده از برقراری رابطه است. به عبارتی در نوجوانی عواملی که عموماً ناشی از تجارب ناخوشایند قبلی و همچنین احتمال درک تجارب ناخوشایند است، منجر به عدم تمایل به برقرار رابطه دوستی در نوجوانان دختر بدسرپرست یا بی سرپرست می‌شود. این عدم تمایل به صورت ترس از برقراری رابطه به منظور آسیب ندیدن و یا ترجیح دادن تنهایی به جای برقراری رابطه که احتمال آسیب دیدن دارد، خود را نشان می‌دهد.

تجربه تمایلات و آسیب‌های رابطه با جنس مخالف درون مایه اصلی دیگری بود که برای تجارب زیسته نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در روابط مشخص گردید. این درون مایه اصلی بیانگر شروع تمایلات به برقراری رابطه عموماً عاطفی با جنس مخالف است که تا حدودی ناشی از نبود منابع عاطفی حماات کننده کافی است. با این حال این برقراری رابطه با توجه به احتمال قطع شدن آن منجر به بروز آسیب‌های عاطفی در نوجوانان دختر شده است. به گونه‌ای که علاوه بر اینکه منجر به بروز عواطف ناخوشایند غمگینی، گریه و ناراحتی است، همچنین شامل شروع تفکرات منفی و بدبینانه به جنس مخالف است که می‌تواند آسیب زنده باشد. در همین رابطه بیان شده است که بدون توجه به محدودیت‌های فرهنگی و موانع اجتماعی نوجوانان در پی دریافت رابطه عاطفی قوی با جنس مخالف هستند به نحوی که جایگزینی برای آن وجود ندارد (صمیمی، مظاهری و حیدری، ۱۳۹۱). به شکلی که مجموعه‌ای از عوامل مانند نیاز عاطفی، ضعف اعتقادات، فشار دوستان و همسالان، نیاز جنسی و شرایط نامناسب خانواده‌ها بر شدت این تمایلات افزوده است (غفاری، ۱۳۸۴). به نقل از خرمایی و

زارعی منوجان، ۲۰۱۶). در همین رابطه مصاحبه شونده با کد ۱۰ اظهار داشت که "بیشتر به این فکر میکنم که دوست پسر بازی کنم و به فکر اهنگ و فیلم و اینا باشن بیشتر نه اینکه فقط خوشیای بچگی رو بچسبن". همچنین مصاحبه شونده با کد ۱۱ بیان داشت که "خوب معمولاً همه دوست پسر که دارند تو این سن واقعاً همه دارن چون این سن یک سنی که همه شوخی هاشونو اینا با این جور چیزا راه می برند انگار". با این حال با توجه به اینکه اکثر این روابط قطع می شود همراه با آسیب عاطفی جدی و همچنین افزایش نگرش منفی نسبت به جنس مخالف است. به عبارتی دچار شدن به مشکلات مشکلات عاطفی و کاهش عملکردهای فردی جزء جدایی ناپذیر این روابط محسوب می شود. در همین رابطه مصاحبه شونده با کد ۷ بیان داشت که "مثلاً از یک موضوعی به بعد از پسر خوشم نیومد، همون روز روز عروسیه اون کسی که دوستش داشتم بود".

بلوغ مرحله ی مهم و حساسی در رشد جنسی نوجوانان است و در این مرحله فرد یکی از بزرگترین چالش های زندگی خود را تجربه می کند که گذر موفقیت آمیز از آن نیازمند حمایتی همه جانبه از طرف محیط و اطرافیان و همچنین سازمان های خدمات رسان است. این شرایط برای نوجوانان دختر بی سرپرست و بدسرپرست با توجه اینکه منابع حمایتی کمتری دارند، چالش برانگیزتر است. در همین راستا هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب زیسته بلوغ جنسی نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست بود. نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر در زمینه کنار آمدن با بلوغ جنسی، وجود راهکارهای مثبت روانشناختی مانند پذیرش، باورهای مثبت و والایش هیجانی، در مقابل راهکارهای منفی مانند انزوا طلبی و پرخاشگری در این گروه از نوجوانان است. هم چنین با توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی راهکار سازگاری دینی که در برگزیده رعایت ملاحظات شرعی و استفاده معنوی از آیین های مذهبی است، یکی از منابع مثبت برای کنار آمدن با بلوغ جنسی در نوجوانان بود.

و همچنین در زمینه روابط نیز نتایج نشان داد وجود نیازهای دلبسته مدار محرکی برای گرایش به تجربه روابط دوستی بوده است که معیارهای مانند شباهت، مثبت بودن رابطه و شنونده بودن طرف مقابل ملاک انتخاب دوست و مواردی مانند ترجیح تنهایی و ترس از رابطه موانع برقراری رابطه هستند. با این حال یک گرایش غالب در بین این نوجوانان تمایل به جنس مخالف بوده که با قطع رابطه همراه شده و با پیامدهایی همچون آسیب عاطفی و رشد بدبینی نسبت به جنس مخالف همراه آن بوده است.

در مجموع نتایج بدست آمده نشان می دهد که کنار آمدن با بلوغ و همچنین روابط دوستی در این دوره، برای نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست با آسیب ها و کاستی های روبرو هستند که نیازمند رسیدگی است.

جهت کاربردی سازی پژوهش در عرصه تربیتی و خدمات روان شناختی برای نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست، با توجه به یافته های بدست آمده به برنامه ریزان و متولیان برنامه های مراقبتی و فعالیت های فرهنگی، تربیتی و روان شناختی توصیه می شود ضمن ایجاد روابط ایمن و پایدار بین مربیان و کودکان و نوجوان، برای تکریم نوجوان و بخصوص برای ارزنده سازی ورود به دوره بلوغ به جشن تکلیف با مشارکت نوجوانان و به خاطره سازی رشد دهنده معنوی از ورود به بلوغ و به ایجاد گروه های دوستی در خانه های نگهداری فرزندان بی سرپرست و بدسرپرست اهتمام ویژه ای داشته باشند و همچنین مواردی نظیر طبیعی بودن فرایند بلوغ و راهکارهای بهداشتی و هیجانی مورد نیاز نوجوانان در دوران بلوغ و در خصوص نیاز به دوستی های سالم و رشددهنده در بین دختران و آسیب های روابط با نامحرم از طریق رشد تصمیم گیری و تفکر انتقادی برنامه ریزی شود، که این امر خود مستلزم برنامه های آموزشی تربیتی و روان شناختی و توانمندسازی مربیان و کارکنان خانه های فرزندان بی سرپرست و بدسرپرست است، لذا توجه به یافته های این پژوهش به متخصصان امور تربیتی و فرهنگی و خدمات روان شناختی پیشنهاد می شود از این نتایج برای تدوین برنامه های حمایتی و توانمندسازی و اجرای مداخلات آموزشی، تربیتی و روان شناختی بهره بگیرند.

امید است شناخت مناسب مشکلات و آسیب های دختران نوجوان بی سرپرست و بدسرپرست و یآوری به هنگام و تخصصی آنها ضمن کمک به جبران کاستی های هیجانی و روانشناختی آنها، زمینه ساز تشکیل خانواده و بهزیستی روان شناختی مادران آینده جامعه اسلامی باشد.

قدردانی

از کلیه کسانی که در این پژوهش به ما یاری رساندند علی الخصوص همکاران محترم سازمان بهزیستی شهر مشهد، کلیه مسئولین خانه های فرزندان بی سرپرست و بدسرپرست، و کلیه شرکت کنندگان در پژوهش کمال قدردانی را میگردد.

مراجع:

- آتش نفس، ا؛ قربانی، ر؛ طباطبایی، م؛ عبدوس، ح؛ عباسپور، س؛ محمودیان، ع. (۱۳۹۳). رفتارهای پرخطر شایع و عوامل خانوادگی مؤثر بر آن از دیدگاه نوجوانان: یک پژوهش کیفی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۰(۳۸)، ۲۱۷-۲۳۳.
- پرویزی، سرور؛ احمدی، فضل الله. و پور اسدی، حسین (۱۳۹۰). زمینه های اجتماعی سلامت نوجوانان: پژوهش کیفی. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۴(۶۹)، ۸-۱۷.
- جوشقانی، ب. (۱۳۹۶). ویژگی های دوست و هم نشین مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۴۳، ۷۱-۵۳.
- سیمبر، م؛ علیزاده، ش؛ حاجی فقها، م. و گلعداز، س. (۱۳۹۵). مروری بر بهداشت آموزشی نیازهای باروری و جنسی نوجوانان ایرانی. *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*، ۳۴(۴۱۲)، ۱۵۶۳-۱۵۷۲.
- شریفی نویسی، م. امیرمظاهری، ا.م.، حضرتی صومعه، ز. (۱۴۰۰). ارائه الگوی عوامل موثر بر وضعیت کودکان یتیم خانه های تحت پوشش بهزیستی تهران پس از ۱۸ سالگی با رویکرد نظریه داده بنیاد. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۵(۴) ۵۸۳-۵۷۴.
- صدوقی، مجید. (۱۳۸۷). معیارهای ویژه ارزیابی پژوهش کیفی. *روش شناسی علوم انسانی*، ۵۶، ۷۸-۸۹.
- صمیمی، ع؛ مظاهری، ع؛ حیدری، م. (۱۳۹۱). ارزیابی تحولی کیفیت روابط دوستی نوجوانان. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۳۳، ۴۷-۶۰.
- طهرانی مقدم، م. و پورعباسی، ع. (۱۳۹۷). ارزیابی دغدغه های دختران نوجوان در خصوص مسائل بلوغ و بررسی همسویی آن با دغدغه های مادران ایشان. *ویژه نامه علوم انسانی سلات*، ۱، ۵۲-۶۱.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۴). راهنمای عملی پژوهش کیفی. *تهران: انتشارات سمت*.

Alvi, E. Nausheen, M. Kanwal, I. & Anwar, R. (2017). Examining the Learning Experiences of Orphans from a Critical Perspective. *Journal of Research & Reflections in Education (JRRE)*, 11(2).

Atashnafas, E., Ghorbani, R., Tabatabaee, M., Abdoos, H., Abbas Poor, S., & Mahmoudian, A. R. (2014). Prevalent high risk behaviors and important family factors from the point of view of adolescents: a qualitative research. *Journal of family research*, 10(2), 217-33.

Balsom, A. A., & Gordon, J. L. (2021). The relationship between psychological coping and mood across the menstrual cycle among distressed women struggling to conceive. *Journal of Psychosomatic Research*, 145, 110465.

Bao, J; Li, H; Song, W; Jiang, S. (2020). Being bullied, psychological pain and suicidal ideation among Chinese adolescents: A moderated mediation model. *Children and Youth Services Review*, In press.

Bubnova, I. S., Tatarinova, L. V., Rerke, V. I., Balabina, N. M., Zhigalova, O. V., Kurbanov, R. A., & Cherekhovskaya, L. S. (2020). Study of gender identity features in adolescent orphan girls: Russian view. *Journal of Environmental Treatment Techniques*, 8(4), 1309.

-
- Chamrathirong, A., Miller, B. A., Byrnes, H. F., Rhucharoenpornpanich, O., Cupp, P. K., Rosati, M. J., ... & Chookhare, W. (2010). Spirituality within the family and the prevention of health risk behavior among adolescents in Bangkok, Thailand. *Social science & medicine*, 71(10), 1855-1863.
- Dorsey, S. Lucid, L. Murray, L. Bolton, P. Itemba, D. Manongi, R. & Whetten, K. (2015). A qualitative study of mental health problems among orphaned children and adolescents in Tanzania. *The Journal of nervous and mental disease*, 203(11), 864.
- Golchin, N. A. H., Hamzehgardeshi, Z., Fakhri, M., & Hamzehgardeshi, L. (2012). The experience of puberty in Iranian adolescent girls: a qualitative content analysis. *BMC public health*, 12(1), 698.
- Hooman, Haidar Ali (۱۳۹۴). A practical guide to qualitative research. Tehran: Samat Publications.
- Huynh, H. V. (2019). Lessons Learned from High-Quality Residential Care Centers Around the World: A Visual Story. *International Journal on Child Maltreatment: Research, Policy and Practice*, 1-18.
- Joshaghani, b. (1396). The characteristics of a good friend and companion from the perspective of the Qur'an and Hadith. *Islamic Insight and Education*, 43, 71-53.
- Khormaei, F., & Manoujan, N. Z. (2016). The relation between girls and boys from the perspective of adolescent girls: a qualitative study. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 6(2), 89-106.
- Kumari, S., Sheoran, P., & Siddiqui, A. (2018). Menstrual hygiene knowledge and practice among adolescent girls in orphanage. *International Journal Of Community Medicine And Public Health*, 5(9), 3987-3990.
- Kwon, J. S., & Park, S. (2019). Adaptation to Transition: Meaning of Menarche for Female Adolescents in South Korea. *The Journal of Early Adolescence*, 39(4), 520-538.
- Mohammed Abd El Aliem, T., Ahmed Hassan Omran, A., & Soliman Abd El Aliem, R. (2023). Effect of Instructional Guidelines on Adolescent Girls Knowledge and Attitude regarding Puberty Development. *Journal of Nursing Science Benha University*, 4(1), 1048-1061.
- Nissi, N., Ashrafiyoozi, A., Hoseyniraad, M., Dircondmoghaddam, A., & Pournajaf, A. (2013). Assessing awareness, attitude and practice in female high school student in Ilam university of medical science. *J of Ilam university of medical science*, 24(1), 25-28.
- Parvizi, S., & Ahmadi, F. (2011). A qualitative study on social predisposing factors of adolescents' health. *Iran Journal of Nursing*, 24(69), 8-17.
- Phaladze, N. A. Ngwenya, B. N. & Gabaitiri, L. (2018). Orphans' perspectives on grief and loss in Botswana. *AIDS care*, 30(4), 506-510.
- Radoš, S. N. (2020). Adolescent girls' emotional reaction to menarche: The role of significant other. *Suvremena psihologija*, 23(1), 21-34.
- Ranjan, P., & Rathisha, R. (2022). Source of Menstrual Knowledge, Reaction, and Restriction during Menstruation in Chinnalapatti, Tamil Nadu: Evidence from a Cross-sectional Survey among Adolescent Schoolgirls. *Age*, 25, 21-55.
- Sadoughi, Majid. (1387). Special criteria for evaluating qualitative research. *Methodology of Humanities*, 56, 78-89.
- Samimi, A., Mazaheri, A., & Heidari, M. (2012). A developmental study of adolescent friendship: quality of the relationship.
- Sawyer, S. M. Azzopardi, P. S. Wickremarathne, D. & Patton, G. C. (2018). The age of adolescence. *The Lancet Child & Adolescent Health*, 2(3), 223-228.

Shulga, T. I. Savchenko, D. D. & Filinkova, E. B. (2016). Psychological Characteristics of Adolescents Orphans with Different Experience of Living in a Family. *International Journal of Environmental and Science Education*, 11(17), 10493.

Simbar, M., Alizadeh, S., Hajfoghaha, M., & Golezar, S. (2017). Review of Iranian adolescents' educational needs for sexual and reproductive health.

Tehrani, M. M., & Pourabbasi, A. (2019). Evaluating Female Adolescents' Puberty Challenges and Comparing Them with Their Mothers' Concerns about Puberty.

Yilmaz, S. K., Bohara, A. K., & Thapa, S. (2021). The stressor in adolescence of menstruation: coping strategies, emotional stress & impacts on school absences among young women in Nepal. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(17), 8894.